

روزنه‌ای به مفاهیم ادیان در دایره المعارف‌ها

# دایره المعارف‌دین و حکمت شرق

محمد جوام ادبی

مسیر تجربه‌شهودی و چشیدنی گام نهاد تا راه تفکر و استدلال فلسفی. به‌همین دلیل هم شاید در ارائه مداخل به لحاظ شکلی یا حتی محتوایی نتوان از فحوی بخش‌های مختلف کتاب استاندارد ثابتی استخراج کرد. در ترجمه‌های متون اصیل هندی، چینی یا ژاپنی در بخش مکاتب‌شناسی هم با توجه به اینکه ترجمه، تفسیری است که منعکس‌کننده برداشت مترجم، چه به لحاظ زبان‌شناختی و چه به لحاظ موضوعی است، حتی الامکان تلاش شده تا چند ترجمه از متون اصلی ارائه شود. مثلاً در مورد مکتب ذن، سبک برخی عبارات ممکن است در ابتدا گیج‌کننده باشد، با وجود این آنها با دقت انتخاب شده‌اند. به عنوان نمونه مقوله «سرشت حقیقی» (۱) بیانگر واقعیتی است که نباید به صورت دوگانه درک شود. «سرشت حقیقی» به معنای ویژگی راستین در برابر «ویژگی کاذب» به کار رفته است و در عین حال «ویژگی» یا «خصلت» هم در اینجا یک مقوله وجودی نیست که بتوان حالات آن را به وسیله صفت‌ها بیان کرد. خصلت راستین به گونه‌ای که در ذن ادراک می‌شود در واقع «عاری از کیفیات» (۲) و یک ذهنیت منفرد است که هیچ چیز ثانوی ندارد. به علاوه تئوری مذهبی-فلسفی در مکتب ذن از سایر آموزه‌ها اهمیت کمتری دارد و به همین جهت فضای نسبتاً زیادی به بیوگرافی استادان ذن که نمایندگان یک سلسله مستمر برای انتقال آداب ذن هستند، اختصاص پیدا کرده است؛ البته حجم یک مقاله بیوگرافی همیشه به معنای اهمیت شخص مورد اشاره نیست و باید با معیارهای عمیق‌تری درباره آن به قضاوت پرداخت.

ENCYCLOPEDIA OF EASTERN PHILOSOPHY AND RELIGION

دایره‌المعارف اصطلاحات اصلی و نظام‌های عقیدتی چهار آیین بزرگ شرقی یعنی بودیزم، هندوئیسم، تائوئیسم و ذن است که کوشیده به نحو روشن و قابل درکی به ارائه حدود چهار هزار مدخل بپردازد. ناگفته نپذاست که در یک مجلد نمی‌توان تمام مفاهیمی که در چهار نظام عقیدتی مطرح است را پوشش تمام و کمال داد، اما می‌توان برای کمک به مخاطبین عمومی و نه متخصصین برخوردار از تحصیلات بالای آکادمیک، به وسیله این دایره‌المعارف ارائه طریق کرد. دشواری در تهیه اثری نظیر این اثر شاید از اینجا نشأت بگیرد که مفاهیم مذکور حداقل در پنج زبان آسیایی (سنسکریت، پالی، تبتی، چینی، و ژاپنی) مطرح هستند که تفاوت آنها با هم به اندازه مقدار تفاوتی است که هر یک با زبان انگلیسی دارند. آنچه در مورد روش‌های پژوهش در مذاهب شرقی در مقایسه با متد غربی باید اذعان داشت، این است که جنبه‌های عمل‌گرایی در هر دو طریق وجود دارد. اما تفاوت معیارها و مقیاس‌ها به جای خود باقی است، با وجود این در اساس بیش و آگاهی حاصل از روش‌های شرقی، این مکاتب تأکید دارند که محصول کار به نحو کامل به صورت ادراکی و منطقی قابل انتقال و بیان نیست. بنابراین اصطلاحات مورد استفاده همواره برای بیان تجاربی به کار می‌روند که دارای «اعتباری کلی» هستند و محتوای واقعی آنها فقط از طریق تجربه شخصی و تنگاتنگ قابل درک است. دایره‌المعارف فوق هم مدعایی اینچنین را می‌پرورد که برای فهم عمیق مدخل‌های آن باید در

راهنمای استفاده از دایره المعارف:

مدخل‌های مربوط به تمام زمینه‌های چهارگانه هندوئیسم، بودیزم، تائوئیسم و ذن در یک فهرست الفبایی مشترک ارائه شده است. ترتیب عناوین مدخل‌ها طبق سیستم حرف به حرف الفبایی است و این موضوع بدون توجه به اجزای واژگانی صورت گرفته است. برای مثال این ترتیب به صورت (KUNG-CHIHI-CHI-HAI-CHI-I) بیان شده که حالت فرهنگ‌های چینی یعنی (CHI-HAI---CHAI-KUNG-CHI-I) را ندارد.

مفهوم لغوی عنوان یک مدخل، زمانی ارائه می‌شود که با تعریف عنوان مدخل متفاوت باشد یا اینکه ترجمه تحت‌اللفظی اجزا به درک آن کمک کند. مثل (RINZAI Eigen lin-chi I-hsuan): که در یکی از مداخل نوشته شده است. شمول یک عنوان مدخل در یک زمینه موضوعی برای هندوئیسم با «H»، برای بودیزم با «B» برای تائوئیسم با «T» و برای ذن با «Z» نشان داده شده است. در صورتی که یک مقوله در بیش از یک زمینه موضوعی و در عین حال با مفاهیم مختلف به کار رفته باشد، ابتدا توضیح هندویی و بودایی آمده و پس از آن به تائو و ذن عطف توجه شده است.

در حیطه بودیزم آثار موجود بیشتر با استفاده از شکل به اصطلاح دو رگه سانسکریتی اصطلاحات هندی مطرح هستند و حتی در مواردی که شکل کهن‌تری از واژگان پالی وجود داشته، همین روال ادامه یافته است. عناوین مدخل‌ها هم به این شکل ارائه شده‌اند. در صورتی که شکل پالی مدخل متفاوت از شکل سانسکریتی در نوشته‌ها به کار رفته، در پراگمتر آمده و اشکال پالی فقط زمانی به عنوان مدخل اصلی آمده است که هیچ شکل سانسکریتی مورد استفاده عموم وجود ندارد. همچنین وقتی هر دو شکل به طور یکسان رایج باشند، خواننده از شکل پالی به شکل سانسکریت ارجاع داده می‌شود. Zen در شکل اصلی خود برای نخستین بار در چین ظهور و نشو و نما پیدا کرد، ولی امروزه فقط در ژاپن به حیات خود ادامه می‌دهد. بنابراین زبان کنونی ذن ژاپنی است. به همین دلیل اصطلاحات ذن به شکل رایج خود ارائه می‌شوند. در موارد قلیلی که اشکال چینی نیز رایج است خواننده به اشکال ژاپنی اصطلاح هم راهنمایی شده است. با این توصیف اسامی شخصی به شکل اصلی خود نیز ارائه شده‌اند و خواننده به آنها هم ارجاع شده است.

در چینی و ژاپنی آواهای بسیاری با معانی متفاوت وجود دارند. چون نسخه‌های آوا نوشت فقط براساس تلفظ هستند، نمی‌توان گفت که به ازای هر کدام از این واژگان مختلف، یک علامت یا واژه در زبان اصلی به کار رفته است، بنابراین مواردی وجود دارد که خواننده یک مدخل را دو بار می‌بیند که هر بار با معنای لغوی متفاوتی ظاهر می‌شود. در این موارد، واژه‌های مربوطه یک واژه منفرد با تفسیر و تعبیر متفاوت نیستند بلکه واژه‌های مختلفی هستند که به گونه‌ای تصادفی دارای هجایی یکسان‌اند. انتشارات «Rider» در لندن این کتاب را به سال ۱۹۹۹ انتشار داده است. مداخل بودیزم و تائوئیسم آن را «اینگرید فیشر اسکریبر» از دانشگاه وینا، مداخل بودای تبتی را «فرانس کارل اهره‌اد» از دانشگاه هامبورگ، مداخل ذن را «میشل اِس دانیر» از ژاپن‌شناسان معاصر در توکیو و مداخل هندوئیسم را نیز «کورت فرد ریشس»

رییس انجمن آلمانی ودانته به رشته تحریر درآورده‌اند. سرویاستار این دایره‌المعارف نیز «استفان اسکوماچر» و «گرت ورنر» هستند. مترجمان این اثر نیز که در چهار حوزه مطالعاتی مذکور متون اصلی و فرعی را به ترجمه درآورده‌اند، «میشل اچ کوهن»، «کارن ردی» و «ورنر موش» هستند. در خاتمه کتاب هم نمودار سلسله بزرگ و پراهمیت جان در مکتب ذن به نحو شاخه‌ای و تفصیلی ارائه شده است. کتاب‌شناسی اثر هم براساس چهار حوزه تفکیک شده در دو بخش منابع اولیه و منابع ثانویه هر دین مشخص شده است. پژوهشگر از این اثر در زمینه‌های مختلفی چون آشنایی با اصطلاحات مهم ادیان شرقی، نحوه زیست و ارائه تعلیم عارفان، فیلسوفان و استادان ذن، متون اصلی و مقدس، فرقه‌ها و مکاتب اندیشه، رویدادها و وقایع اساطیری می‌تواند بهره‌مند شود. نیروانه: (Nirvana) هندوئیسم، بودیزم و ذن= فنا. هندوئیسم: وضعیتی از رهایی و روشنایی که با محو شدن فرد و فنای «من» در «برهمن» ترسیم شده است. آن که به نیروانه می‌رسد از رنج، مرگ، زایش دوباره و تمامی پیوندهای خاکی آزاد است. نیروانه حقیقت برترین و آگاهی متعالی است که در بهبودگیتا به عنوان «برهمن-نیروانه» (۳)، در اوپانیشادها به تعبیر «توریا» (۴) در یوگا به منزله «نیریبجا-سمادهی» (۵) و در ودانته به مثابه «نیرویکالپه-سمادهی» (۶) به آن اشارتی شده است.

بودیزم و ذن: در پالی نیبانه: در ژاپنی نهان. غایت اعمال روحانی در تمام شاخه‌های دین بودایی است که در استنباط از بودای ابتدایی عبارت است از نقطه عزیمت از چرخه زاد و میرهای مجدد «سمساره» و صورتی از نوعی وجود که به کلی متفاوت است. وصول به آن محتاج تفوق بر سه اصل بیمارگونه است: آرزوها، تنفرها و پندارها و سرانجام به رهایی اراده فعال دست یافتن.

معنای آن فراغت از تأثیر مقدر و قطعی «کرمه» است. نیروانه بدون شرط (۷) است و از اثرات ویژه آن محاق (A) ظهور، بقا، تغییر و در عین حال ناپایداری است.

ماهایانه: در این مکتب مفهوم نیروانه ممکن است دستخوش تغییری که با پیش‌درآمدی از تصور بودی‌ستوه و تأکید بر ماهیت واحد جهان نیز مرتبط است، قرار گیرد. نیروانه به منزله یگانگی با امر مطلق و یکپارچگی سمساره و حقیقت متعالی با هم تصور شده است. همچنین به مثابه اقامت‌گزیدن در تجربه حقیقت مطلق، ابتهاج به واسطه آگاهی از این‌همانی فرد و واقعیت مطلق و به تعبیری آزادی از تعلق به توهمات، تأثرات و تمایلات نیز توصیف شده است.

در غرب نیروانه به منزله فنای صرف اغلب مورد بدفهمی قرار گرفته است و باید گفت که حتی این فهم در بودیزم ابتدایی هم جای ندارد. در بسیاری از متون برای توضیح

آنچه از آن به نیروانه تعبیر می‌شود، از تشبیه متمایز زبانه آتش استفاده شده است. این آتش خاموش می‌شود اما از میان نمی‌رود و صرفاً با پیوستن به فضا، غیرقابل رؤیت می‌شود، بنابراین اصطلاح نیروانه عدم را نشان نمی‌دهد، بلکه تا اندازه‌ای ورود به منشأ وجودی دیگری را مطرح می‌کند. آتش نتیجه‌ای است از خروج و ورود هوا، بنابراین نیروانه حادثه‌ای روحانی است که در زمان جابه‌جا می‌شود. اما همچنین در وضعیتی غیرمتجلی و تقریباً در حوزه‌ای زوال ناپذیر همواره حاضر و جاری است. این همان «موطن جاودانگی» (۹) است که در قید مکان نیست، بلکه متعالی و فرا این جهانی است و تنها با تجربه‌ای عرفانی قابل دستیابی است. البته می‌توان گفت در بودیزم ابتدایی نیروانه در ارتباط مثبت با جهان به نظر نمی‌آید، اما عرصه‌ای برای رهایی بوده و هست. در برخی از فرازهای سوتراها عبارات و اصطلاحاتی مطرح است که برای نیروانه مورد استفاده قرار می‌گیرد و به معنای بهجت و خوشی است، اما اغلب تا حد بسیار زیادی نیروانه به عنوان فرآیند یا وضعیتی از توقف رنج مطرح می‌شود. این امر نباید به منزله دلیلی برای نگرش پوچ‌گرایانه به حساب آید و تا اندازه‌ای به این نکته اشاره دارد که کلمات برای بیان ماهیت نیروانه که بدون سخن و اندیشه در گونه‌ای مثبت سازی است، کفایت نمی‌کنند. به عنوان بیان مثبتی در خصوص نیروانه می‌توان گفت نشانه‌ای درباره وجود لاشی‌ءای است که امکان آن مطرح است. در دین بودا که تمام وجود را چون گناری رنج‌روار می‌پندارد، نیروانه به مثابه انقطاع رنج رنج‌روان به عنوان هدفی برای تلاشی معنوی تفسیر می‌شود. هر چند نیروانه موقعیتی ثبوتی یا فناپی صرف است، اما برای تجربه‌ای عرفانی می‌تواند امری نامربوط جلوه کند. به همین جهت بود که بودا خود از اظهاراتی پیرامون ماهیت نیروانه پرهیز می‌کرد.

هینه‌یانه: در این مکتب دو نوع نیروانه از هم قابل تمایزند. نیروانه با تتمه‌ای مشروط که می‌توان پیش از مرگ به آن دست یافت و نیروانه بدون شرط که با مرگ قابل دستیابی است.

در مکتب‌های فردگرایانه هینه‌یانه‌ای پیرامون نیروانه، نظرات بسیار متفاوت است. در «سراسدیواده» (۱۰) می‌بینیم که در نیروانه برخی امور ثبوتی وجود دارند که مخفی و نهان هستند و از ممارستی بی‌درپی به غلبه بر سوداها منجر می‌شوند. برای چیره‌شدن بر هر احساسی، جهانی خاص مفروض و مسلم گرفته می‌شود. بنابراین انواع بسیار مختلفی از نیروانه قابل تصور است که متمایل به کیفیتی غیرثابت نیز هستند. در «مهاسانگهیکه» (۱۱) که می‌توان آن را پیشرویی بر مکتب مهاییانه تلقی کرد نیروانه بدون تتمه فنا، از اهمیت کمتری نسبت به نیروانه با تتمه فنا برخوردار است. از این منظر مکاتب بعدی مفهوم فنا

نامتعمین را بسط دادند که در آن بودا از فناپی بدون تتمه چشم‌پوشی کرده و در عین حال از تعلق به دنیا هم رها و آزاد زیسته است.

در مهاییانه به دلیل تأکید برکمال مفروض بودی‌ستوه، دستیابی به نیروانه تاحدی به پس زمینه لغزیده است. با وجود این در هیچ مکتبی از مهاییانه بودی‌ستوه‌ها به عنوان هدف نهایی به حساب نمی‌آیند. فنا در نیروانه تنها به وسیله بودی‌ستوه به تعویق می‌افتد و این تا زمانی است که همه موجودات از رنج رهایی یابند. در اینجا نیروانه شاخصه‌ای مثبت را دربر می‌گیرد، زیرا نیروانه ذاتاً موقعیتی از آگاهی این‌همانی فرد با وجود مطلق را در نظر دارد. تجربه وحدت با حقیقت مطلق به شخصی که آن را از سر می‌گذراند محدود نمی‌شود بلکه تجربه‌ای نامحدود است که تمام مظاهر را احاطه می‌کند و شامل کلیت وجود فرد می‌شود. در این منظر تمایز لاینفکی میان سمساره و نیروانه وجود ندارد، اما با این وصف دو نوع نیروانه نامتعمین و متعمین قابل تفکیک است.

نظراگاه‌ها پیرامون نیروانه در مکاتب مهاییانه نیز مختلف است. در «مادییکه» (۱۲) نیروانه به مثابه تهی بودنی که آنها آن را «رهاشدن از گوناگونی» می‌دانند مطرح است که به معنای انقطاع یا فقدان هر چیز مرتبط با طرح مغشوش عالم نیز هست. نیروانه، یگانگی با واقعیت غیرقابل بیانی است که همیشه بوده و فقط، مورد شناسایی قرار نگرفته است. نیروانه و سمساره متفاوت نیستند اگر به یک ادراک پیرامون جهان که در بطن ماهیت حقیقی آن خالی و تهی است برسیم. این ذهن دقیق ما است که ما را از فهم و تشخیص این ماهیت حقیقی باز می‌دارد. در ذن بودیزم نیروانه به مثابه امری که از این جهان جدایی ندارد مطرح شده است که تا اندازه‌ای می‌توان آن را ادراک ماهیت حقیقی ذهن (سرشت ذهن) دانست و این ماهیت حقیقی با هویت واقعی موجودات انسانی یکسان و هماهنگ است. این وقوف تنها از مجرای حکمت امکان دارد، بنابراین نیروانه اغلب با «پرچنه» (۱۳) همسان انگاشته می‌شود. در معنای ذن پرچنه و نیروانه دو جنبه از یک موقعیت هستند. شخصی در نیروانه زیست می‌کند که به پرچنه نایل شده است و بنابراین در ذهن خویش یا در ماهیت حقیقی به بصیرت رسیده است. پرچنه حکمتی است که فرد دست‌یافته به نیروانه در آن می‌زید.

پانوشته‌ها:

1. True Nature
2. Devod of properties
3. Brahman- nirvana
4. Turiya
5. Nirbija-samadhi
6. Nirvikalpa-samadhi
7. Unconditioned
8. Absent
9. Abode of Immortality
10. Sarvastivada
11. Mahasanghikas
12. Madhyamikas
13. Prajna